

عوامل سخن گفتن بدون علم و آگاهی از منظر قرآن کریم و روایات شیعه



علی خلیلی‌فر

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

pendarha@chmail.ir

چکیده

سخن گفتن یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند متعال برای انسان است که در زندگی وی نقش مهمی ایفا می‌کند به نحوی که انسان به وسیله آن با دیگران ارتباط برقرار کرده و بدون آن رشد و پیشرفت و انتقال آگاهی‌ها و دانش ممکن نخواهد بود و زندگی بسیار سختی برای انسان رقم خواهد خورد؛ از سویی این نعمت بزرگ دارای آفات مختلفی نیز بوده و در صورت بی توجهی انسان به این امر از آفات آن رنج بسیار خواهد بُرد؛ یکی از این آفات، سخن گفتن بدون علم و آگاهی است. این آسیب از جمله اموری است که برای انسان‌ها معمولاً مغفول مانده و توجهی به آن نمی‌شود در حالی که زیان‌های بسیار آن در زندگی انسان هویداست و علاوه بر آن عواقب دنیوی و اخروی اندوه باری نیز در پی خواهد داشت. ابتدا به تشریح اهمیت سخن در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(ع) پرداخته و اهمیت آن را تبیین می‌نمایم سپس به آداب سخن گفتن در اسلام می‌پردازد و به دنبال آن اهمیت آگاهی در زندگی و در گفتار اشاره می‌کند. پس از تبیین ضرورت آگاهی، ضرورت آسیب شناسی در علوم مختلف و در این موضوع بررسی شده و پس از آن به ضرورت مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات ائمه(ع) می‌پردازد. در پایان راهکارهای برون رفت از آسیب مورد نظر مطرح و تحلیل شده است. نتیجه به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن است که بر اساس آیات قرآن و احادیث، گفتار بدون علم و آگاهی در نتیجه عوامل مختلفی از جمله: تعجل، غفلت و ... روی می‌دهد و انسان باید از این عوامل غفلت نکند تا از آسیب‌های آن در امان باشد.

واژگان کلیدی: سخن، آگاهی، آیه، حدیث



مقدمه

۱- بیان مسئله

یکی از ابعادی که قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(ع) در مورد مقوله گفتار به آن اشاره نموده‌اند گفتار همراه با علم و گفتار بدون علم است.

علم در دین اسلام، چراغ عقل، زینت اغنیا و جمال فقرا و بهترین هدایت شمرده شده به طوری که هیچ گنجی را نافع تر از علم نمی‌شمارد. در این جا مقصود از علم، آگاهی و یقین پیدا کردن است. در دین مبین اسلام هیچ محدودیتی برای یادگیری و آگاهی پیدا کردن وجود نداشته بلکه بسیار به این امر سفارش شده است. گواه این مطلب آیات قرآن کریم و روایات ائمه(ع) است به طوری که هر انسان عاقلی با بررسی این دو منبع ناب و معتبر به اهمیت این موضوع پی می‌برد.

در قرآن کریم در آیات متعددی خداوند متعال انسان‌ها را از گفتار بدون علم نهی نموده و عواقب شوم آن را به انسان‌ها متذکر می‌گردد؛ از جمله آیه‌ای که به این موضوع اشاره نموده است آیه ذیل می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور/۱۵) «به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید، و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می‌پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است» خداوند آن‌ها را مورد مذمت قرار داده می‌فرماید شما به چیزی که علم نداشتید سخن گفتید و فکر کردید که چیز مهمی نیست در حالی که این کار شما نزد خداوند امر بزرگی بوده است؛ یا در آیه ذیل خداوند می‌فرماید: «فَأَلَوْ أَنْتَّخَذَ اللَّهُ وِلْدَانًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا أَوْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ * قُلْ إِنْ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» (یونس/۶۸و۶۹) «گفتند: «خداوند فرزند ندی برای خود انتخاب کرده است!» (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزّه است! او بی‌نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است! شما هیچ گونه دلیلی بر این ادعا ندارید! آیا به خدا نسبتی می‌دهید که نمی‌دانید؟! بگو: «آنها که به خدا دروغ می‌بندند، (هرگز) رستگار نمی‌شوند!» در این آیات مشرکین به خداوند دروغ بسته و می‌گفتند خداوند برای خود فرزندی اختیار کرده در حالی که خداوند آن‌ها را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید که کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند. آیات قرآن این موضوع را به خوبی روشن‌گری نموده و در آیات متعدد به انسان تذکر می‌دهد که مواظب سخن گفتن خود باش که تبعاتی زیادی از جمله دروغ بستن به خدا، پیامبر، مردم و... تهمت زدن، گمراه کردن، به هلاکت افتادن و بسیاری دیگر خواهد داشت.

در روایات شیعه نیز به این موضوع مهم اشاره شده و در احادیث متعددی هم به این موضوع اشاره شده و هم آسیب‌های مختلف سخن بدون علم و یقین تذکر داده شده است: از جمله روایاتی که در مورد سخن بدون علم و آگاهی وارد شده حدیثی است از امام صادق(ع) که می‌فرماید: «مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ النَّاسَ سِخَ مِنْ الْمُنْذُورِ وَ الْمَحْكَمِ مِنَ الْمُتَشَابِهِ فَقَدْ هَلَكَ وَ أَهْلَكَ» (کلینی، ۱۳۷۵ش) «کسی که ندانسته فتوی دهد و او ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه تشخیص ندهد سخت هلاک شده و هلاک کرده است». روایت دیگری که به این موضوع اشاره دارد روایت ذیل است که حضرت علی(ع) فرمود: «فَدَعُ مَا لَا تَعْرِفُ فَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ طَائِرُونَ إِلَيْكَ بِأَقْوَابِلِ السُّوءِ وَ السَّلَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق) «از نقل مطالبی که درباره آن اطلاع کافی ندارید پرهیز کن، زیرا اشرار، مطالب بی‌اساس یعنی شایعات را علیه من به گوش شما می‌رسانند»



۲- اهمیت موضوع

از آیات و روایات برمی آید که این موضوع از مباحث بسیار مهم بوده به صورتی که هم آیات متعددی در قرآن کریم به این موضوع و تبعات آن اشاره نموده و هم روایات بسیاری به این مهم پرداخته است. از طرفی این موضوع تدامی حوزه های فکری (فقهی، کلامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...) را در برمی گیرد و در نتیجه باید در تمام حوزه ها باید به ابعاد مختلف، عوامل و آسیب های این مهم توجه نمود؛ از طرفی دیگر عدم رعایت این موضوع در حوزه های مذکور آسیب های دنیوی و اخروی به همراه خواهد داشت؛ مفسران قرآن کریم نیز در مورد بحث های مذکور بیانات شیوا و جالبی ارائه نموده اند. تحقیق حاضر درصدد تبیین و تحلیل این بحث بر اساس آیات قرآن و روایات شیعه می باشد.

۳- ادبیات و پیشینه

برای تعریف واژگان اساسی تحقیق حاضر منابع متعددی وجود دارد ولی به جهت اختصار به مهم ترین تعاریف آن ها اشاره می شود.

۳-۱- سخن

سخن به معنای کلمه، لفظ و عبارت بوده و به معنای حرف و گفتار و نطق و صحبت و ترجمه کلام و مرادف گفتار است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش) سخن به معنای گفتار، قول، کلام، نطق و بیان بوده و سخن راندن به معنی نطق کردن و سخن چین به معنای آن که سخن کسی را به دیگری گوید و موجب اختلاف آنان گردد و کسی که راز شخصی را افشا کند. (معین، ۱۳۸۵ش) سخن به معنی کلام، قول، بیان و سخن راندن به معنی نطق کردن و سخن چین به معنی خبرکش، نام و کسی که سخن یا سر کسی را به دیگری بگوید می باشد. (عمید، ۱۳۸۰ش)

۳-۲- آگاهی

آگاه به معنی مطلع، باخبر، خبردار، مستحضر، واقف و آگاهی به معنای خبر، اطلاع، علم و معرفت می باشد. (معین، همان) آگاه به معنای باخبر، مطلع، هوشیار و آگاه شدن به معنی باخبر شدن و خبردار شدن بوده آگاهی به معنی خبر، اطلاع، هوشیاری و آگاه بودن است. (عمید، همان) از واژه های مرادف با کلمه آگاهی علم، یقین و معرفت می باشد. علم دو گونه است: ۱- علم عقلی: علمی که با اندیشه و عقل دانسته می شود؛ ۲- علم سمعی: علمی که صرفاً از شنیده ها و مسموعات است؛ اَعْلَمْتُهُ و اَعْلَمْتُهُ در اصل یکی است جز اینکه تعلیم به آنچه را که زیاد تکرار می شود اختصاص دارد تا جائی که اثری از آن در نفس آموزنده حاصل شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش) یقین از نتایج و صفات علم و دانش است که از معرفت و درایت و دیگر معانی از این قبیل برتر و بالاتر است. چنان که می گویند - علمُ اليقین - نه معرفه اليقین. یقین همان آرامش یافتن فکر و فهم است بعد از اثبات حکم و استدلال هر چیزی. (راغب اصفهانی، همان) هر یقینی علم است ولی هر علمی یقین نیست گو یا یقین علم است که بعد از استدلال و نظر حاصل شود؛ یقین به معنی ثابت یا ثابت شده و بالاتر از علم و از صفات آن است. (قرشی، ۱۳۷۱ش)

۳-۳- آیه

آیه در قرآن مجید به قسمتی از کلمات اطلاق می شود که از ماقبل و مابعد خود منقطع بوده و در ضمن سوره ای آمده باشد. آیه قرآنی خود معجزه است و نشانه ای است بر راستی گفتار پیامبر خدا (ص)، عبرت و پندی است بر بندگان خدا، شگفتی آور است



از نظر بلندی و اعجاز. آیه به آیات جمع بسته شده و در لغت به معانی خاصی آمده است: ۱. معجزه: «سَلَبْنِي إِسْرَاءَ يَلَكَمُ آتَيْنَاهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ» «از بنی اسرائیل بپرس: «چه معجزه‌های روشن فرستادیمشان». (بقره/۲۱۱) ۲. نشان و علامت: «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ» «نشان پادشاهی وی این است که تابوت آید به سوی شما». (بقره/۲۴۸) ۳. عبرت: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» «همانا که در این عبرتی است». (حجر/۷۷) ۴. شگفت: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» «و پسر مریم و مادرش را شگفت جهان کردیم». (مؤمنون/۵۰) ۵. برهان و دلیل: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» «از براهین او، آفرینش آسمان‌ها و زمین است». (روم/۲۲) ۶. جماعت: (خرج القوم بآيتهم) (قوم به جماعتش بیرون رفت) ۷. داستان و قصه: (أَلَا أَلْبِغَا هَذَا الْمَعْرُضَ آيَةً) در این جمله آیه به معنی داستانی از من آمده است. (رامیار، ۱۳۸۹ش)

۳-۴- حدیث

حدیث اصطلاحاً کلامی است که حاکی از قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) باشد و بر آن خبر، سنت و روایت نیز اطلاق شده است و روایت در اصطلاح خبری است که به طریق نقل به معصوم ختم شود. اصل روایت از «روى البعير الماء أى حمله» مشتق است چون راوی نیز حامل و ناقل حدیث شمرده می‌شود. (مدیرشانه‌چی ۱، ۱۳۸۸ش) حدیث در لغت به معنای خبر، کلام و جدید است و جمع آن احادیث آمده است؛ بعضی حدیث را به کلام معصوم اختصاص داده و خبر را به آن چه از غیر معصوم رسیده است اطلاق کرده‌اند و به همین جهت به مورخان که واقعه را با سند نقل می‌کردند در مقابل محدثین، اخباری گویند. ظاهراً وجه تسمیه خبر به حدیث از آن جهت است که در مقابل قرآن که هر دو بیان الهی است قرار گرفته است زیرا بیشتر اهل سنت قائل به قدم قرآن می‌باشند. (مدیرشانه‌چی ۲، ۱۳۸۹ش)

4

۴- پیشینه تحقیق

طبق تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع مورد نظر این نوشتار، هیچ‌گونه پژوهش مستقل (کتاب، پایان نامه، مقاله، نشریه، نرم‌افزار) یا مشابهی تا کنون انجام نگرفته است و فقط در چند منبع به صورت پراکنده به این موضوع اشاره شده است.

۵- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی مقوله گفتار انسان و یقین پیدا کردن انسان به گفتار خویش و سپس بررسی مفهوم سخن بدون علم و آگاهی در قرآن کریم، تفاسیر مفسران و روایات شیعه است به طوری که اهمیت آن را تبیین کرده و اثبات کند که این بحث از موضوعات بسیار مهم در اسلام بوده و اشاره به عوامل سخن گفتن بدون علم و آگاهی می‌باشد.

۶- فرضیه‌های پژوهش

۶-۱- فرضیه اصلی

فرضیه اصلی در مورد موضوع مذکور این است که در قرآن کریم و روایات شیعه عواملی مختلفی از جمله جهل انسان، منفعت انسان و ... ذکر شده و انسان باید آن‌ها را بشناسد تا از آسیب‌های آن در امان باشد.



۲-۶- فرضیه های فرعی

- موضوع مذکور تمامی حوزه های فکری، اخلاقی، فرهنگی، رفتاری، روانی، معنوی، اجتماعی و... را در بر می گیرد.
- در هر کدام از این حوزه ها عوامل مختلفی دارد که انسان باید به آن ها معرفت پیدا کند.

روش تحقیق

روشی که در این نوشتار به کار برده شده و براساس آن مطالب نگاشته شده روش توصیفی تحلیلی می باشد که با تکیه بر منابع مکتوب قرآنی و روایی و نرم افزارهای قابل استفاده و مرتبط با این موضوع می باشد.

ضرورت علم و آگاهی

از نخستین وظایف انسانی که خداوند به وی نعمت زبان را عنایت نموده آگاهی از حقیقت سخنش است. آدمی باید بداند که چه می گوید و چه می خواهد بگوید. آگاهی یافتن یعنی اطلاع و اشراف پیدا کردن به مطلب و حقیقت مطلب چه در زمینه سخن گفتن، چه در زمینه افزایش اطلاعات و سایر موارد مورد نیاز؛ بر انسانی که می خواهد دیگران از سخنان وی بهره ببرند و سخنش بر دیگران تأثیر گذارد واجب است که بر مطالبش اشراف پیدا کرده و از صحت و سقم آن ها خبر داشته باشد و آگاهی خود را بالا ببرد. موجودات به وسیله سخن از مقاصد یکدیگر آگاه می شوند. سخن گفتن انسان این ویژگی را دارد که اختیاری انسان در آن دخالت داشته و همواره سبب تکامل و احیاناً تنازل بوده است؛ (احمدی، ۱۳۹۴ ش) حضرت علی (ع) از سان بدون قدرت تکلم را حیوانی در صورت انسان، محسوب داشته و فرموده است: «مَا الْإِنْسَانُ لَوْ لَا اللِّسَانُ إِلَّا صُورَةٌ مُمَثِّلَةٌ أَوْ بَهِيمَةٌ مُهْمَلَةٌ» «آدمی نیست اگر زبان نباشد مگر صورتی کشیده شده یا جانوری واگذاشته شده». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق) خداوند متعال در قرآن کریم، از سخن گفتن ستایش می کند و می فرماید: «الرَّحْمَانُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» «خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود انسان را آفرید و به او «بیان» را آموخت». از اهمیت سخن گفتن هر قدر گفته شود حق مطلب ادا نمی شود زیرا خداوند متعال چنین نعمتی بزرگی به انسان عنایت نموده که انسان به هیچ وجه نمی تواند شکر آن را آن گونه که حق مطلب است به جا آورد.

از طرفی دیگر علم و آگاهی دو بالی هستند که انسان می تواند با آن ها تا بیکران پرواز کند. ارزش هر انسان با چگونگی به کارگیری آن ها معین می شود. علم و دانش، آگاهی و معرفت انسان را به جایی می رسانند که حتی فرشتگان هم بدان دست نمی یابند. هر چه دانایی انسان بیشتر شود، نقش رهبری او در زندگی پر رنگ تر می شود. این مسئله بیانگر این نکته است که هر دانشی که انسان فرا می گیرد یا آگاهی که در مورد موضوعی کسب می کند در رفتار او نمود پیدا می کند و از کردار بسیاری از افراد می توان به میزان علم و آگاهی آن ها پی برد. در ارزش علم و دانش همین بس که خداوند متعال در سوره زمر آیه ۱۱ می فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۱۱) «بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر هستند؟»

دانش، انسان را به سوی کمال هدایت می کند. افرادی که در زندگی درست فکر می کنند، گفتار عاقلانه دارند و خوب قضاوت می کنند، در برخوردهای اجتماعی دیگران را به خود جذب می کنند. انسان همواره باید به دنبال کسب آگاهی باشد زیرا بدون آگاهی در مورد موضوعی صحبت کردن در اسلام مذموم بوده و آسیب ها و آثاری خواهد داشت زیرا هم خود فرد گمراه گشته و



هم دیگران را گمراه می‌نماید و در این صورت تبعات آن را باید بپذیرد. در منابع معتبر اسلامی همچون قرآن کریم و روایات ائمه اطهار(ع) به این موضوع پرداخته شده و همواره به انسان توصیه شده که بدون علم و آگاهی سخن نگوید.

عوامل سخن گفتن بدون علم و آگاهی

سخن گفتن بدون علم و آگاهی به عوامل متعددی بر می‌گردد که هر کدام می‌تواند به تنهایی موجب این امر شود و بستگی به خود انسان دارد که موقع سخن گفتن به کدام یک از این علل دچار شود؛ در ذیل به مهم‌ترین عوامل اشاره می‌شود:

۱- جهل

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود انسان بدون علم و یقین سخن بر زبان آورد جهل و نادانی وی است؛ جهل از سان را به ضلالت کشانده و باعث هلاکت وی می‌شود. جهل و نادانی در مقام نظر و عمل بزرگ‌ترین مصیبت بشر است؛ چرا که همه بدبختی‌های بشر در دنیا و آخرت ریشه در جهالت انسان دارد. دو مشکل بزرگ انسان که مرتبط با جهل است: یکی فقدان دانش و علم و دیگری عدم بهره‌گیری از عقل یعنی همان تعقل است. این دو مشکل خاستگاه همه بدبختی‌های انسان است. جهل آسیب‌ها و تبعات بسیاری در زندگی و آخرت آدمی دارد از جمله: اشتباه کردن، گمراه کردن دیگران، دوری از حق، بدعت، ضایع کردن حقوق افراد، پشیمانی، بی‌ادبی، بی‌صبری، هلاکت، گمراهی، دنیاطلبی، زیان به خود و دیگران و موارد بسیار دیگر از آسیب‌های جهالت و نادانی است. جهالت، انسان را از ارزش و اعتبار در دنیا و آخرت می‌اندازد. رفتاری که از روی جهالت صورت می‌گیرد خود موجب خواری و ذلت آدمی می‌شود که یکی از موارد آن سخن گفتن بدون علم و آگاهی و به تبع آن آسیب‌های بسیار آن است. در مورد جهالت و نادانی در اسلام بسیار سخن گفته شده و قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید» در این آیه خداوند به مومنین می‌فرماید که از نادانی و جهالت پرهیز کنید زیرا از کرده خود پشیمان می‌شوند و دیگر اینکه در مورد سخنان نه تنها باید گوینده به سخنش علم داشته باشد بلکه شنونده نیز باید در سخنان گوینده دقت نماید که یک موقع خبر کذب نباشد یا از روی حسادت و کینه و ... نباشد.

روایات نیز به موضوع جهل عنایت ویژه‌ای داشته و به پرهیز از آن سفارش نموده‌اند: حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «كَمْ مِنْ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ جَهْلُهُ» (چه بسیار عزیزی که، نادانی‌اش او را خوار ساخت) (تمیمی آمدی، همان) در بیانی دیگر می‌فرمایند: «الصَّدْقُ عِزٌّ وَالْجَهْلُ ذُلٌّ» (راستی عزت است و نادانی ذلت و خواری) (کلینی، همان) در این دو حدیث امام آدمی را متوجه می‌سازد که جهل انسان را خوار می‌کند و عزت انسان را نابود می‌کند. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی به خوبی انسان را از نادانی و جهل بر حذر می‌دارد و وی را به دانایی دعوت می‌کند: «قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيتْ خَرِبٌ فَتَعَلَّمُوا وَعِلْمُوا وَتَفَقَّهُوا وَلَا تَمُوتُوا جَهْلًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزُرُ عَلَى الْجَهْلِ» (دلی که نشانی از خرد در آن نباشد چون خانه خراب است پس تعلیم بگیرید و تعلیم دهید و فقه آموزید و بر جهل نمیرید که خدا از جهل نمی‌گذرد.) (پابنده، ۱۳۸۲ش)



در احادیثی که ذکر شد به گوشه‌ای از اهمیت بحث جهالت اشاره شد و از آن بر حذر داشته شد؛ جهالت نشانه‌های مختلفی از جمله نافرمانی خدا، تکبر، افراط و تفریط، ناشکیبایی، بی بهره بودن از علم، دشمنی و بسیاری نشانه دیگر دارد که انسان را به بیراهه می‌کشاند.

۲- تعجیل

از دیگر عوامل سخن گفتن بدون علم و آگاهی عجله کردن در صحبت و سخن گفتن است. انسانی که در سخن گفتن خود عجله می‌کند سخنانی را می‌گوید که هم به ضررش است و هم نسنجیده می‌گوید و هم اینکه آن چه نمی‌داند بر زبان می‌آورد به طوری که بعداً که به سخنانش فکر می‌کند از گفته خود پشیمان می‌شود. خداوند در قرآن به عجلول بودن انسان اشاره نموده و می‌فرماید: «خَلِقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ» «انسان از عجله آفریده شده است» (انبیاء/۳۷) یکی از مفسرین در مورد این آیه ذکر نموده که: «این آیه کنایه است از زیادی عجله انسان، و بلوغ آن به نهایت درجه‌اش، آن قدر که گویی اصلاً آدمی از عجله خلق شده، و غیر از عجله چیزی نمی‌شناسد، نظیر اینکه می‌گویند: فلانی هم‌هشام خیر است، و یا سراپا شر است، و یا فلانی از خیر خلق شده، و یا فلانی آب و گلش با شر خمیر شده، و اینطور تعبیر بلیغ‌تر از این است که بگوییم، چقدر فلانی عجلول است، و این کلام در مورد تعجب آمده، و نیز خواسته است نسبت به امر مشرکین بی‌اعتنایی کند و بفرماید: اگر آنها عجله می‌کنند، ما عجله‌ای نداریم، چون از دست ما نمی‌گریزند، و تلافی ما فوت نمی‌شود.» (مکارم، ۱۳۷۱ش) قرآن و تفسیری که مفسران ارائه نموده حاکی از این است که عجله در برخی امور مذموم و عواقب ناخوشایندی دارد از جمله در سخن گفتن که عواقب شومی در بر خواهد داشت.

لقمان حکیم در وصیتش به فرزند خود می‌گوید: «ای پسر حذر کن از شتاب و عجله کردن همانا عرب‌ها عجله را مادر پشیمانی‌ها گفته‌اند و این به سبب آن است که در عجله شش خصلت بد است چه آن که شخص عجلول می‌گوید چیزی را پیش از آن که بداند جواب می‌دهد پیش از آن که بسنجد و بفهمد اندیشه و عزم در کارها می‌کند پیش از آنکه تأمل در آن نماید قطع می‌کند پیش از آنکه اندازه بگیرد و ستایش می‌کند پیش از آنکه تجربه کند مذمت می‌کند چیزی را پیش از آنکه اندازه و حد آن را معلوم نماید و این خصلت‌ها نمی‌باشد مگر در کسی که صاحب ندامت و پشیمانی و خارج از سلامت بوده باشد.» (کراجکی، بی‌تا) لقمان حکیم به خوبی لفظ عجله را تبیین می‌کند و از آن به عنوان مادر پشیمانی‌ها یاد می‌کند و منظور از این حرف این است که بسیاری از پشیمانی‌ها به علت عجله نمودن و شتاب در امور است.

روایات نیز عجله کردن انسان را امری مذموم دانسته و انسان را به عدم عجله و شتاب‌زدگی در امور دعوت می‌کنند: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةُ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَثَبَّتُوا لَمْ يَهْلِكِ أَحَدٌ» (پیامبر(ص) فرمود: «مردم را، در حقیقت، شتاب‌زدگی به هلاکت انداخته است، اگر مردم، از شتاب‌زدگی به دور بودند، هیچ کس هلاک نمی‌شد.» (برقی، ۱۳۷۱ش). در حدیثی دیگر حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مِنَ الْخُرْقِ الْمَعَاجِلَةُ قَبْلَ الْإِمْكَانِ وَ الْإِنَاءَةُ بَعْدَ الْفُرْصَةِ» «شتاب کردن در کاری پیش از به دست آوردن توانایی و سستی کردن بعد از به دست آوردن فرصت از نادانی است.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق) همچنان که در روایات ذکر شد عجله در امور نتیجه‌اش پشیمانی خواهد و معمولاً شخص نادان در امور



عجله می‌کند؛ یکی از این امور عجله در سخن گفتن است که نهایتاً به پشیمانی منجر خواهد شد در نتیجه انسان باید از شتاب در گفتار بر حذر باشد.

۳- غفلت

یکی دیگر از عواملی که انسان بدون علم و آگاهی اقدام به سخن گفتن می‌کند غفلت است؛ یکی از علت‌های اینکه انسان غافل می‌شود اهمیت ندادن به امور است یعنی انسان به سخنی که بر زبان می‌آورد اهمیت نمی‌دهد و سبب غفلت وی می‌شود؛ در امور دیگر نیز چنین است که کم‌اهمیتی موجب غفلت می‌شود. از طرفی غفلت سبب هلاکت در دنیا و آخرت است، زیرا، انسان را از مصالح او اعم از مادی و معنوی بی‌خبر می‌سازد و با این بی‌خبری، فرصت‌ها را از دست می‌دهد، امکانات را ضایع نموده و استعدادهای خود را بر باد خواهد می‌دهد. به همین جهت، آیات به این بحث توجه ویژه داشته و انسان را از غفلت بر حذر می‌دارند: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ هُمُ الْمُغْفَلُونَ * أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس/۷ و ۸) «آن‌ها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آن‌ها که از آیات ما غافلند * (همه) آن‌ها جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می‌دادند!» در این آیه خداوند جایگاه کسانی را که از آیات قرآن غافل هستند را آتش دوزخ دانسته و غافلان را وابستگان به زندگی دنیا معرفی می‌نماید.

8

روایات نیز مانند آیات قرآن به بحث غفلت عنایت دارند و در ذیل به برخی اشاره می‌شود: حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «مَنْ طَالَتْ غَفْلَتُهُ تَعَجَّلَتْ هَلَكَتُهُ» «هر که دراز کشد غفلت او تعجیل کند هلاک او، یعنی زود هلاک گردد به هلاکت معنوی» (تمیمی آمدی، همان) حضرت علی(ع) در این حدیث انسان را از غفلت بر حذر می‌دارد به این علت که با این کار به هلاکت نزدیک می‌شود. حضرت علی(ع) در سفارش به فرزندش امام حسین(ع) فرمود: «پسر جان! فکر روشنی آرد، غفلت ظلمت است، ستیزگی گمراهی است، سعادت‌مند کسی است که از (سرگذشت) دیگران پند گیرد.» (ابن شعبه، ۱۳۸۲ش) حضرت در این حدیث از عواقب غفلت سخن به میان آورده و می‌فرماید که نتیجه غفلت ظلمت است؛ انسانی که بدون یقین سخن می‌گوید خود را به هلاکت و ظلمت نزدیک می‌کند و موجبات گمراهی دیگران را فراهم نموده و به تبع آن دیگران را به هلاکت و ظلمت نزدیک می‌کند.

۴- هوای نفس

یکی دیگر از عوامل مهم سخن گفتن بدون علم و آگاهی انسان، پیروی از هوای نفس است؛ انسان با پیروی از هوا و هوس، چشم خود را بر همه چیز می‌بندد و باعث می‌شود سخنانی بر زبان آورد که به آن یقین ندارد و به تبع آن به آسیب‌های آن دچار می‌شود؛ انسان به خاطر خوشی زودگذر و شاید خوشایند دیگران سخنانی می‌گوید که به آن‌ها علم ندارد و فقط برای اینکه سخنی گفته باشد یا خودشیرینی کرده باشد سخنانی بر زبان می‌آورد. هوای نفسی که فقط به خاطر شهوت‌رانی و لذت جسمانی و اغراض دنیوی باشد و خدا در آن منظور نباشد پیروی از آن مذموم، و چنانچه پیروی کرد پیروی نفس اماره به سوء را کرده است، و آن‌چه انسان به خاطر اطاعت امر خداوند انجام دهد و برای تحصیل رضای او باشد اگر چه بر طبق دلخواه و



هواپرستی او باشد مذموم نیست. خداوند متعال در قرآن کریم کسانی که از هوای نفس خویش پیروی می‌کنند را جزء گمراه-ترین افراد برشمرده می‌فرماید: «أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (قصص/۵۰) «آننان تنها از هوس‌های خود پیروی می‌کنند! و آیا گمراه‌تر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟» در آیه فوق کسانی که از هوای نفس خود پیروی می‌کنند را گمراه‌ترین افراد می‌شمارد.

روایات نیز به موضوع هوای نفس توجه داشته و تبعیت نادرست از آن را مذموم می‌شمارند: **أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَابِشِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «احْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَعْدَى لِلرَّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَ حَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ»** ابو محمد وابشی گوید: شنیدم از حضرت صادق (ع) که می‌فرمود: «از هواهای (نفسانی) خود بر حذر باشید و بترسید چنانچه از دشمنان حذر می‌کنید، زیرا چیزی برای مردان دشمن‌تر از پیروی هواهای خودشان و دروشده‌های زبان‌هاشان (یعنی آنچه بیهوده از دهان خارج شود) نیست.» (کلینی، همان). **قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ طُولَ الْأَمَلِ أَمَا اتِّبَاعَ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَا طُولَ الْأَمَلِ فَيُنْذِرُ سِيَئَ الْآخِرَةِ.»** (کلینی، همان) حضرت علی (ع) فرمود: «جز این نیست که من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی هوای نفس، و درازی آرزو، اما پیروی هوا پس همانا که از حق باز میدارد و اما درازی آرزو آخرت را فراموش سازد.» روایات معصومین (ع) به این مقوله مهم بسیار اهمیت داده و انسان را از آن بر حذر می‌دارند؛ پیروی از هوای نفس باعث می‌شود که دل انسان کور شده و سخنانی بگوید که به ضررش تمام شود لذا انسان با عدم تبعیت از هوای نفس می‌تواند در گفتار خویش دقت نماید.

۵- منفعت

از ویژگی‌های ذاتی انسان، حُبّ ذات، خودخواهی و خوددوستی است. این خصیصه، وی را به سوی جلب منفعت شخصی و نیز دفع ضرر، سوق می‌دهد. منفعت از دیگر عواملی است که می‌توان برای سخن گفتن بدون علم و آگاهی برشمرد بدین صورت که منفعت باعث می‌شود که انسان به دنبال یقین و آگاهی پیدا کردن درباره سخنی که می‌خواهد بگوید نرود به نحوی که منفعت دل انسان را کور کرده و به علت رسیدن به منفعت خویش چشم بر خیلی چیزها می‌بندد. اگر انسان فکر و ذکرش منفعت خودش باشد هم خودش را به هلاکت و تباهی می‌کشاند و هم کسانی را که از وی تبعیت نموده‌اند گمراه می‌کند؛ البته منفعت تقسیمات مختلفی از جمله منفعت شخصی یا منفعت اجتماعی و ... دارد و در برخی موارد در روایات مذموم شمرده نشده به آن توصیه شده است ولی مقصود در این بحث منفعت مذموم بوده و منفعتی است که انسان با تخریب منفعت دیگران یا جامعه به آن می‌رسد.

مهم‌ترین عوامل سخن بدون علم و یقین ذکر شد ولی عوامل فرعی دیگری مثل پیروی از شایعه، اجبار، تحریک شدن و ... وجود دارد ولی در مجال این بحث نمی‌گنجد و به همین مقدار بسنده می‌شود.

**بحث و نتیجه‌گیری**

پیچیده‌ترین وسیله ارتباط میان موجودات هستی زبان و سخن گفتن است. موجودات به وسیله سخن از راز و مقاصد یکدیگر آگاه می‌شوند. اگر این نعمت به ظاهر ساده را که خدای سبحان رایگان در اختیار انسان قرار داده، نبود و انسان مثل سایر پدیده‌ها گنگ بود زندگی او از تمدن عاری بود و روند تکاملی نداشت زیرا نقش سخن پیوند اندیشه‌هاست. دانش و آگاهی، انسان را به سوی کمال هدایت می‌کند. افرادی که در زندگی درست فکر می‌کنند، گفتار عاقلانه دارند و خوب قضاوت می‌کنند، در برخوردهای اجتماعی دیگران را به خود جذب می‌کنند. به لحاظ اهمیت سخن است که در انسان این ویژگی معیار کمال و نقص به شمار می‌رود. نوشتار حاضر در مورد عوامل سخن بدون علم و آگاهی بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ائمه (ع) بوده و نتایج حاصل از بررسی منابع معتبر اسلامی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- انسان باید این نعمت بزرگ الهی را ارج نهاده و سپاس‌گذار خداوند باشد.

۲- با توجه به اینکه یکی از بافضیلت‌ترین اموری که در اسلام به آن سفارش شده و در برخی منابع واجب شمرده شده علم‌آموزی و آگاهی پیدا کردن انسان است لذا از نخستین وظایف انسانی است که از حقیقت سخنش آگاهی پیدا کند. آدمی باید بداند که چه می‌گوید و چه می‌خواهد بگوید. آگاهی یافتن یعنی اطلاع و اشراف پیدا کردن به مطلب و حقیقت مطلب چه در زمینه سخن گفتن، چه در زمینه افزایش اطلاعات و سایر موارد مورد نیاز؛ بر انسانی که می‌خواهد دیگران از سخنان وی بهره ببرند و سخنش بر دیگران تأثیر گذارد واجب است که بر گفتار و سخنانش اشرافیت پیدا کرده و از صحت و سقم آن‌ها خبر داشته باشد و آگاهی خود را بالا ببرد.

۳- چون زبان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین اعضای بدن بوده و نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی انسان دارد به همین علت دارای آفت‌های بسیاری از جمله دروغ گفتن، غیبت کردن، تهمت زدن، دشنام دادن و ... است؛ بنابراین از سان باید عوامل گفتار بدون آگاهی را بشناسد تا به آفات آن دچار نشود.

۴- موضوع گفتار بدون علم و آگاهی از معدود موضوعاتی است که با تمامی علوم و حوزه‌های مختلف در ارتباط بوده و طالبان آن علوم ناچار هستند که این موضوع را رعایت کنند تا به آسیب‌ها و عواقب آن دچار نشوند.

۵- سخن گفتن بدون علم و آگاهی به عوامل متعددی بر می‌گردد که هر کدام به تنهایی می‌تواند موجب این شود که سخن انسان دچار آفت شود و این بستگی به خود انسان دارد که موقع سخن گفتن به کدام یک از این عوامل دچار شود.

۶- سخن گفتن بدون علم و آگاهی علاوه بر اینکه عوامل مختلفی دارد که در صورت عدم رعایت آن هم آثار و آسیب‌های دنیوی و اخروی و به دنبال آن عواقب و نتایج دنیوی و اخروی خواهد داشت؛ در اهمیت این موضوع به صورت مفصل در منابع اصیل اسلامی اشاره ولی به خاطر طولانی بودن بحث و اینکه خار از محدوده موضوع این پژوهش است ذکر نمی‌شود.



با توجه به مطالب، اهداف و نتایجی که این نوشتار از منابع معتبر اسلامی به دست آورد و با توجه به اینکه انسان موجودی دارای عقل و اختیار بوده و تصمیمات، اعمال و سخنانش باید بر اساس منطق باشد خداوند حجت را بر وی تمام کرده و عواقب تمامی اعمال و سخنانش بر عهده خود وی بوده و در محضر خداوند متعال باید پاسخگو باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۲ش، **تحف العقول**، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ اول، قم، انتشارات آل علی علیه السلام.
- ۳- احمدی، حبیب الله، ۱۳۹۴ش، **پژوهشی در علوم قرآن**، قم، انتشارات فاطمیا.
- ۴- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، **المحاسن**، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالکتب الإسلامیة.
- ۵- پاینده، ابو القا سم، ۱۳۸۲ش، **نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص))**، چاپ چاهارم، تهران، انتشارات دنیای دانش.
- ۶- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۴۱۰ق، **غرر الحکم و درر الکلم**، تصحیح: سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالکتب الإسلامیة.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، **مفردات الفاظ قرآن (ترجمه غلامرضا سروی - سینی)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
- ۹- رامیار، محمود، ۱۳۸۹ش، **تاریخ قرآن**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۴۱۴ق، **نهج البلاغه**، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، قم، انتشارات هجرت.
- ۱۱- عمید، حسن، ۱۳۸۱ش، **فرهنگ عمید**، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۳- کراچی، محمد بن علی، بی تا، **نزهة النواظر (ترجمه معدن الجواهر)**، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵ش، **أصول الکافی (ترجمه محمدباقر کمراهی)**، چاپ سوم، قم، انتشارات اسوه.
- ۱۵- مدیرشانهچی، کاظم، ۱۳۸۹ش، **درایة الحدیث**، چاپ نهم، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۶- مدیرشانهچی، کاظم، ۱۳۸۸ش، **علم الحدیث**، چاپ بیست و دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۷- مجلسی، محمدباقر، ۴۰۳ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی.
- ۱۸- معین، محمد، ۱۳۸۶ش، **فرهنگ معین**، چاپ سوم، تهران، انتشارات زرین.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش، **ترجمه قرآن (مکارم)**، چاپ دوم، قم، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة.